

اصلاح الگوی مصرف شرط لازم توسعه پایدار

احمد اخوی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

گسترش صنعت

تلاش برای افزایش رفاه و بهبود مصرف به خودی خود قابل انتقاد نیست. آنچه قابل انتقاد است تبدیل شدن انسان به موجودی مصرف زده و فاقد احساس مسئولیت نسبت به تبعات این رفتار برای جامعه و نسل آینده در بلندمدت است. بهبود مصرف، افزایش سلامت و رشد سریع جمعیت را در پی دارد بنابراین، هم باید به رشد سریع تولیدات کشاورزی و دامی و صنعتی رسید و هم باید جمعیت را کنترل کرد. در غیر این صورت و بدون وجود منابع و موهبت های طبیعی، جامعه یا بخش مهمی از آن دچار فقر و افول از معیارهای انسانی حیات می شود. در جهان امروز این امر نتیجه اش، ناپایداری توسعه جهانی است. به علاوه، منابع طبیعی تجدید ناشونده را نمی توان بی محابا مصرف کرد هر چند که در مورد تجدید شونده ها نیز بی محابا نیست والا ما می خوریم و کاشتنی هم در کار نیست تا بکاریم و آیندگان بخورند. به این ترتیب، توسعه پایدار اقتصادی مستلزم تولید و مصرف پایدار و دیرپا برای نسل های بعدی است.

در اصلاح الگوی مصرف منطق همین است. باید مصرف درست و صحیح کالاها و خدمات و منابع را در چارچوب یک مدل بومی شده توسعه پایدار به طرف ضوابط و استانداردهای فنی، ملی و بین المللی هدایت کرد و هرگونه کارکرد ناقص بازار و مکانیسم هایی را که مشوق اسراف در مصرف و ایجاد ضایعات و مایبکس مایه اشراف است از میان برداشت. همچنان که در بحث اکولوژی صنعتی و توسعه نگرش زنجیره ای به عرضه، تبدیل فرآیندهای خطی به سیستم های حلقوی^۱ را توصیه می کنند تا ضایعات به شکل منابع مجدداً وارد فرآیند تولید و بازیافت شوند.

افزون بر آن، سطح بهینه مصرف کلان کشورهای رو به توسعه و تازه صنعتی شده صرفاً توسط درآمد و تولید ملی محدود نمی شود بلکه محدودیت تعیین کننده دیگر نیاز توسعه ملی و سهم لازم درآمد ملی برای تسویه اصل و فرع وام های قبلی و انجام سرمایه گذاری های جدید است. طبیعی است در

^۱ - بیژن بیدآباد، مجموعه مقالات همایش اصلاح الگوی مصرف (۴ مرداد ۱۳۸۸)، تیزیر در "اقتصاد اخلاق و توسعه پایدار"، ص ۳۲۷

توزیع نابرابر مصرف و درآمد، سهم غالب پس‌انداز ملی را از گروه‌های پردرآمد و میان درآمد باید انتظار داشت. در این ارتباط است که به جلو انداختن مصرف و بالاتر از حد توسعه‌ای قرار گرفتن سهم آن از GDP عامل کاهش مصرف در آینده است. زیرا آنچه از بخش‌های دیگر و منابع غیرتولیدی دیگر برای اضافه مصرف زمان حال قرض گرفته می‌شود در آینده بایستی همراه با سود متعلقه بازپرداخت شود. در حالی که به تأخیر انداختن اضافه مصرف - فاصله توقعات مصرف و امکانات اقتصادی واقعی - و سرمایه‌گذاری آن با همین تحلیل، مصرف آتی بالاتر و پایدارتری را تضمین می‌کند. تصور کنید اگر به جای خرید قسطی، آن را از محل سود سپرده یا پس‌انداز اولیه انجام دهید چقدر ارزان‌تر و لذت‌بخش‌تر خواهد بود.

سطح بهینه مصرف کشورهای پیشرفته صنعتی مدت‌هاست مورد بحث و چالش قرار دارد. فاصله روزافزون حجم مصرف این کشورها از بقیه جهان همراه با افزایش شکاف اجتماعی، مکتب نولیبرالیسم پسامدرن (Post Modernism) را که مخالف هر گونه مداخله‌ای برای تغییر رفتار مصرفی است به انزوا رانده است. متفکران دوران‌دیش این جوامع وقتی با این واقعیت روبرو می‌شوند که از یک سو ۲۰ درصد جمعیت جهان در سال ۲۰۰۵ چیزی حدود ۷۷ درصد منابع و تولیدات آن را مصرف می‌کنند و ۲۰ درصد جمعیت فقیر تنها ۱/۵ درصد را (بانک جهانی، ۲۰۰۸) و از سوی دیگر در سی سال گذشته آمریکا با ۵ درصد جمعیت جهان بیش از ۳۰ درصد منابع جهان را مصرف و ۳۰ درصد زباله جهانی را ایجاد کرده است، از خود می‌پرسند آیا به این ترتیب می‌شود ادامه داد؟ آیا منابع جهان تا پایان قرن ۲۱ دوام می‌آورد یا اینکه با توجه به رشد جمعیت و مصرف جهان باید هر چه سریع‌تر سیاره‌های جدیدی را دست و پا کرد.

شایان ذکر است آثار آلاینده‌ی مصرف‌زدگی و پرمصرفی جوامع پیشرفته و صنعتی بر محیط‌زیست و مؤلفه‌های حیات در کره خاکی و جو پیرامون، محدود به جامعه خود آنها نیست بلکه دارای زیان‌های مشابهی برای سایر جوامع نیز می‌باشد. جالب اینکه جوامع پیشرفته در دستیابی به محیط پاک، برنامه انتقال صنایع آلوده‌ساز خود به کشورهای توسعه نیافته و فقیر را دنبال کرده‌اند و جالب‌تر اینکه سازمان‌های بین‌المللی به دنبال این جابه‌جائی از کشورهای میزبان این نوع صنایع مالیات آلوده‌ساز محیط‌زیست جهانی مطالبه می‌کنند.